

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رسایف

سال هفدهم، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲
صفحه ۲۱۵ تا ۲۳۲

بررسی تاثیر مواضع حزب لیکود رژیم صهیونیستی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (2003-2020)

فرامرز صالحی / گروه علوم سیاسی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب - تهران -
ایران fsalehi1682@gmail.com

رضا کاویانی / استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده
مسئول) kaviani95@yahoo.com

مسعود مطلبی / استادیار گروه علوم سیاسی، واحد آزاد شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
mmtph2006@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مواضع احزاب رژیم صهیونیستی بخصوص مواضع حزب لیکود و تاثیر آن بر امنیت ج.ا.ایران است. مکتب امنیتی کینهاگ به عنوان چارچوب نظری و از روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه ای در این پژوهش استفاده شده است، پرسش کلیدی در این مقاله این است که تاثیر مواضع حزب لیکود طی سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ بر امنیت ج.ا.ایران چه بوده است یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احزاب چپ به رهبری حزب کارگر دیدگاه محتاطانه‌تری نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران دارند و جهت‌گیری‌های این احزاب همسو با اقدامات جامعه جهانی بوده است، اما احزاب مذهبی با ائتلاف با احزاب دست راستی دیدگاه مشابهی با حزب لیکود به فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران دارند و از اقدامات نظامی علیه ایران حمایت می‌کنند، حزب لیکود با امنیتی نمودن فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران و معرفی ایران به عنوان یک تهدید وجودی، توانسته با ترغیب آمریکا و سایر قدرت‌های غربی تهدیدات امنیتی را در ابعاد گسترده اقتصادی، سیاسی و نظامی متوجه ج.ا.ایران سازد.

کلیدواژه: رژیم صهیونیستی، حزب لیکود، امنیت ج.ا.ایران، مکتب کینهاگ، احزاب سیاسی.

تاریخ تأیید ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی، دکترین محور پیرامونی رژیم صهیونیستی از محاصره کشورهای عربی به محاصره ج.ا.ایران تغییر پیدا کرد. در جهت تحقق این دکترین، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند که ائتلاف امنیتی علیه ایران شکل دهد و ایران را از هر جهت محاصره نماید، در جهت اجرای این سیاست رژیم صهیونیستی به همکاری‌های گسترده و ائتلاف با برخی از کشورهای منطقه و خارج از منطقه کرده است که این اقدامات امنیت ج.ا.ایران را تهدید می‌نماید. مطابق با دکترین امنیتی‌سازی، رژیم صهیونیستی به بزرگ‌نمایی تهدیدات ناشی از دستیابی ج.ا.ایران به پیشرفت‌های هسته‌ای و موشکی پرداخته است، این رژیم با استفاده از تبلیغات فراوان سعی کرده تا با شکل دهی به افکار عمومی و اجماع جهانی، خطر ایران هسته‌ای را نه تنها تهدید وجودی برای موجودیت رژیم صهیونیستی بلکه خطری برای منافع آمریکا و صلح جهانی جلوه دهد.

نظر به اینکه نظام سیاسی رژیم صهیونیستی، نظام پارلمانی است، احزاب نقش و جایگاه ویژه‌ای در این رژیم دارند، از سال ۲۰۰۹ به بعد قدرت سیاسی این رژیم در دست یک جریان سیاسی به رهبری حزب لیکود قرار دارد و سیاست‌های کلی و خارجی رژیم صهیونیستی متأثر از دیدگاه‌ها و مواضع این حزب بوده است سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که مواضع حزب لیکود طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ بر امنیت ایران چه تاثیری داشته است؟ و این فرضیه مطرح می‌گردد که این حزب با امنیتی نمودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران با کمک ایالات متحده و قدرت‌های غربی توانسته در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر امنیت ایران تاثیرگذار باشد. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است همچنین با توجه به موضوع مکتب امنیتی کپنهاگ بعنوان چارچوب نظری مورد توجه قرار گرفته است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

مروی اصفهانی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان سیطره داخلی جناح راست و سیاسی امنیتی_ رژیم صهیونیستی (۱۹۹۷_۲۰۱۹) الزامات برای جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند از زمانی که از سال ۱۹۷۷ جناح راست رژیم صهیونیستی به رهبری لیکود به قدرت رسیده است موجب تحولی بزرگ در عرصه سیاست داخلی - خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی شده است. این جناح به رهبری حزب لیکود در طی چند دهه اخیر همواره رژیم صهیونیستی را در معرض خطر و تهدید می‌دیده است و با پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش دامنه رقیبان

منطقه‌ای و جنبش‌های مقاومت، نخبگان و جامعه رژیم صهیونیستی را به واکنش واداشته که موجب در روی کار ماندن و تداوم سیطره جناح راست در عرصه سیاست داخلی این کشور گردیده است. فلاح و قاریان پور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان منافع ملی ج.ا.ایران در برنامه هسته‌ای و رویکرد و نگاه احزاب رژیم صهیونیستی به موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مورد مطالعه قرار داده و بیان می‌کنند که احزاب بزرگ رژیم صهیونیستی نظیر احزاب لیکود و کادیما فعالیت‌های هسته‌ای ایران نه تنها برای رژیم صهیونیستی بلکه برای کل منطقه و جهان تهدید محسوب می‌شود، اما در نوع چگونگی برخورد با تهدیدات ج.ا.ایران اختلاف نظر دارند. داسکی و افرون (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان سیاست در حال تحول رژیم صهیونیستی علیه ج.ا.ایران بیان می‌کنند به‌رغم اجماع در مورد نیاز مقابله با ج.ا.ایران، اما در مورد چگونگی مواجهه با ایران بین دیدگاه‌های سیاسی و امنیتی اختلاف نظر وجود دارد. نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی، ج.ا.ایران را به عنوان یک تهدید جدی می‌بینند که باید مدیریت شود، اما نهادهای سیاسی به رهبری نتانیاہو رهبر حزب لیکود معتقدند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران به هر شکلی متوقف شود تا کنون پژوهش اختصاصی که مواضع حزب لیکود در خصوص برنامه هسته‌ای و تهدیدات این حزب علیه امنیت ج.ا.ایران مطالعه نموده باشد صورت نگرفته است و از طرف دیگر امنیت ج.ا.ایران چه از نظر داخلی و یا خارجی در راس کلیه منافع ملی ج.ا.ایران محسوب می‌شود. بنابراین مطالعه آنچه در مورد دیدگاه‌ها و مواضع این حزب مهم رژیم صهیونیستی بررسی گردد می‌تواند برای سیاست خارجی ج.ا.ایران کاربردی باشد.

۲-۱. چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ به عنوان نگرش فرا مدرن مطالعات امنیتی، بر استقلال مفهومی یا حوزه مطالعاتی (علمی) امنیت تاکید نموده است. باری بوزان^۱، به عنوان یکی از پیشگامان منادی استقلال مفهومی امنیت، تلاش کرد مرز میان مطالعات امنیتی با مطالعات استراتژیک را روشن کند. به نظر وی مطالعات استراتژیک صرفاً بر بعد نظامی امنیت تاکید کرد، در حالیکه مطالعات امنیتی بررسی ابعاد غیر نظامی امنیت را مورد توجه قرار می‌دهد بوزان امنیت را برابر با رهایی از تهدید می‌داند و می‌گوید امنیت در نبود مساله دیگری به نام تهدید درک می‌شود.

^۱. Barry Buzan

از نظر وی، امنیت به توان دولت‌ها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل تمامیت ... آنها مربوط می‌شود (عبدا.. خانی، ۱۳۹۸، ۱۲۰).

چارچوب نظری این پژوهش بر پایه نظریه «امنیتی کردن» از مکتب فکری کپنهاگ در روابط بین‌المللی بنا شده است. الی ویور^۱ باری بوزان و جمع دیگر از نظریه پردازان در طول سالهای دهه ۹۰ میلادی نظریه‌ای را ارائه و بسط دادند که به عنوان «امنیتی کردن» در متون علمی روابط بین‌الملل نامیده می‌شود. در دیدگاه کلاسیک، امنیت همواره به عنوان تابعی از داده‌های عینی و قابل اندازه‌گیری همچون میزان قدرت نظامی طرف مقابل در نظر گرفته می‌شود. امنیتی کردن اما فرآیندی است که در جریان آن هر بازیگر می‌تواند تحت شرایط مشخصی مسئله یا مسائلی را که لزوماً از ماهیت تهدیدکنندگی حاد برای بقای دولت یا ملت برخوردار نیستند. در نظر مخاطبین به صورت خطر جلوه‌گر نماید، امنیتی کردن گفتمانی است که منجر به تولید واقعیت اجتماعی می‌شود. این گفتمان «حرکت امنیتی کننده» نام دارد. به این معنا که در جریان آن چیز یا پدیده‌ای به صورت تهدید وجودی نمایان می‌شود، این گفتمان در صورتی که با اقبال مخاطبین مواجه شود می‌تواند توجه‌کننده استفاده از روش‌های غیر معمول برای مواجهه با آن تهدید باشد و استفاده از قوه قهریه شدید در برخورد با تهدیدات امنیتی شده، یکی از تبعات این فرآیند است.

ویور شروطی را بر آنچه وی «امنیتی کردن موفقیت آمیز» می‌نامد، ارائه کرده است. از جمله قدرت اقناع‌کنندگی گفتمان مورد نظر در قطعی جلوه دادن تهدید وجودی یک موضوع می‌تواند به حمایت مخاطبان از انجام اقدامات غیر معمول و فوق‌العاده شود و در این فرآیند ممکن است از شیوه‌های غیر متمدنانه و نژادپرستانه نیز استفاده شود. ویور همچنین از منظر نظریه «کنش‌گفتاری»^۲ جان لانگشا و آستین برای توصیف فرآیند امنیتی سازی بهره می‌گیرد و خاطرنشان می‌کند که رابطه کنش‌گر یا بازیگر امنیتی کننده با مخاطب کنش‌گفتاری امنیتی از اهمیت خاصی برخوردار است و تاکید می‌کند که برخی «شرایط تسهیل‌کننده» در بعد درونی و اجتماعی ممکن است به موفقیت کنش‌گفتاری امنیتی کننده کمک نمایند به عبارت بهتر، گاهی ممکن است شرایط اجتماعی برای پذیرش وسیع استدلال گفتمان امنیتی

¹ Ole waever.

².Seuritizing move.

³. speech - Act

کننده در افکار عمومی فراهم از سازمان های دیگر باشد در چنین شرایطی، تبدیل هر موضوع عادی به تهدید امنیتی حاد، به طور اصولی چندان دشوار نیست، چرا که زمینه پذیرش عمومی آن فراهم است. با این حال، درجه موفقیت این فرآیند بستگی به نقش و جایگاه بازیگر، مربوطه در جامعه دارد. می‌توان مکتب کپنهاگ را برای تحلیل چرایی بزرگنمایی تهدید ج.ا.ایران، گسترش ج.ا.ایران هراسی از برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران توسط رژیم صهیونیستی در راستای تامین حداکثری منافع و امنیت ملی رژیم صهیونیستی، چارچوب نظری مناسبی دانست (آهویی، ۱۳۹۳، ۱۳۲).

۳-۱. ساختار رژیم صهیونیستی

در رژیم صهیونیستی، قوه مقننه، مجریه و قضائیه قوای اصلی این رژیم محسوب می‌شوند، کنست یا همان پارلمان قوه قانونگذاری نظام حاکم بود و نقش محوری در نظام سیاسی رژیم صهیونیستی را دارد، کنست از یک پارلمان تشکیل می‌شود و دارای ۱۲۰ نماینده می‌باشد که برای چهار سال با رای مخفی و بر اساس نمایندگی نسبی انتخاب می‌شوند، قوه مجریه: بر اساس قانون اساسی ۱۹۶۸، نخست وزیر تمام مشروعیت خود را از کنست می‌گیرد و تنها در برابر کنست مسئول است، پس از برگزاری انتخابات مجلس، رئیس جمهور یکی از اعضای کنست را مامور تشکیل کابینه می‌کند، قوه قضائیه یکی دیگر از ارکان نظام سیاسی رژیم صهیونیستی می‌باشد و در قوانین این رژیم بر استقلال قوه قضائیه از قوای مقننه و مجریه تاکید دارد.

۳-۱-۱. احزاب سیاسی در اسرائیل

با توجه به ماهیت پارلمانی نظام سیاسی در رژیم صهیونیستی (جمهوری پارلمانی)، احزاب یکی از مهم‌ترین بازیگران و جریان‌های سیاسی تاثیرگذار بر فرآیند سیاستگذاری به شمار می‌آیند، و بر همین اساس، بزرگ‌ترین حزب انتخابات پارلمانی از سوی رئیس جمهور به تشکیل ائتلافی با حداقل ۶۱ کرس برای تصدی کابینه می‌شود (فلاح و قاریان پور، ۱۳۷، ۱۳۹۷). ساختار نظام حزبی در رژیم صهیونیستی دارای ویژگی‌های کلی نظیر تعدد احزاب، تجزیه درون گروهی و اختلافات حزبی و نقش‌های متعدد ساختاری می‌باشند، به وجود آمدن اختلافات ایدئولوژیکی در مسئله تعیین سرنوشت مناطق اشغالی و رابطه دین و دولت دو منبع اصلی و اساسی برای ائتلاف یا جدایی احزاب می‌باشد این دو معیار دوگانه باعث بوجود آمدن سه جبهه حزبی شده که عبارتند از: جناح چپ، راست و مذهبی (جریس و خلیفه، ۱۳۹۹، ۱۶۷).

۲-۳-۱. احزاب جناح چپ

منظور از احزاب چپ، احزاب وفادار به مرام سوسیالیستی است که در قالب صهیونیسم چپ نقش مهمی در سیاست رژیم صهیونیستی ایفا کرده اند، جهان بینی این احزاب بر اساس ارزش‌های جنبش کارگری بنا شده است. (طوسی و آزاد ، ۱۳۹۷، ۲۳۳) از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین احزاب در این جناح می‌توان به حزب کارگر اشاره کرد، در سال‌های که این حزب قدرت را در دست داشته اولویت مهم در سیاست خارجی این حزب حل و فصل اختلافات با فلسطینیان و کشورهای عربی یا به اصطلاح پیگیر روند صلح خاورمیانه بوده و مسائل مرتبط با ج.ا.ایران در اولویت‌های بعدی قرار داشتند. (آجیلی و نصیری، ۱۴۰۰، ۹۳)

در دهه ۹۰ میلادی که حزب کارگر در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ قدرت را در دست داشت در مقابله با ج.ا.ایران دو استراتژی تبلیغی و سیاسی و دیگری اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده بود، متهم کردن ج.ا.ایران به حمایت از تروریسم و بنیادگرایی و دیگری ترغیب آمریکا به تحریم‌های اقتصادی از اقدامات این دوره بود، از زمان مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۰۳ و افزایش نفوذ منطقه‌ای و پیشرفت‌های موشکی ج.ا.ایران، این حزب هرگز نتوانسته بر رقبای سیاسی خود پیروز شود و تشکیل دولت دهد، بنابراین بیشتر مواضع این حزب در خصوص ج.ا.ایران در سال‌های اخیر از موضع اپوزیسیون بوده است، دیدگاه اعضای این حزب در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران همواره محتاطانه بوده، بطوری که شیمون پرز نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی و از رهبران حزب کارگر، به رغم مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران و خطرناک دانستن ج.ا.ایران اتمی، اما معتقد بود که رژیم صهیونیستی نباید بدون حمایت آمریکا علیه ایران دست به اقدام نظامی بزند، رژیم صهیونیستی می‌بایست مانند دیگر اعضای جامعه جهانی راه حل دیپلماتیک را ترجیح دهد (فلاح و قاریان پور، ۱۳۹۷، ۱۵۰).

شلی یخموپچ (رهبر سابق حزب کارگر) با انتقاد از نتانیاهو به خاطر معرفی ج.ا.ایران به عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای رژیم صهیونیستی چنین اظهار نظری را یک اشتباه وحشتناک توصیف کرد و هشدار داد در مورد ایران، اقدام نظامی همیشه آخرین گزینه است (مشرق نیوز، ۱۳۹۱). همچنین اسحاق هرتزوگ از رهبران این حزب معتقد است که لفظ پراکنی‌های نتانیاهو علیه ج.ا.ایران و ایجاد رعب و وحشتی که وی در خصوص تهدیدات ج.ا.ایران در میان شهروندان رژیم صهیونیستی ایجاد کرده تا حد زیادی غیر ضروری است (دروشی و صاحبی، ۱۳۹۳، ۵۲۷).

با توجه به مواضع اعضای این حزب هرچند که برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی برای رژیم صهیونیستی می‌دانند اما خواهان برخوردی محتاطانه تر و همسو با جامعه جهانی نسبت به برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران هستند.

۳-۳-۱. احزاب مذهبی

احزاب و جنبش‌های مذهبی دینی در رژیم صهیونیستی، وابسته به ایدئولوژی برگرفته از آیین یهودی هستند و همگی خواستار احترام به احکام شریف یهود در جامعه هستند (طوسی و آزاد، ۱۳۹۷، ۲۳۶). در صحنه سیاسی رژیم صهیونیستی، حزب مفدال نماینده مذهب گرایان صهیونیستی است و احزاب اگودات رژیم صهیونیستی و شاس مذهب گرایان افراطی را نمایندگی می‌کنند.

تفکر صهیونیسم مذهبی در دوران معاصر به شدت به نظامی‌گری و جنگ طلبی روی آورده است، این جریان به شدت به هرگونه سازش با فلسطینیان و به خصوص با هرگونه توقف شهرک‌سازی و سیاست تخلیه مناطق اشغالی مخالف است، چرا که آن را خلاف ایده تسلط کامل بر ارض رژیم صهیونیستی می‌دانند، برخی از صهیونیست‌های مذهبی افراطی بر این اندیشه‌اند که باید دشمنان رژیم صهیونیستی را عمداً وارد درگیری نظامی کرد تا بدین ترتیب نیروهای آسمانی برای حمایت از آن بسیج شوند و نجات مسیحایی محقق شود (آهویی، ۱۳۹۳، ۱۵۶).

۴-۳-۱. احزاب دست راستی (ناسیونال-لیبرال)

بیشتر گرایش‌های دست راستی با رنگ و بوی ناسیونالیستی و لیبرالیستی از داخل سازمان جهانی صهیونیسم و تفکرات شخصی به نام ولادیمیر ژابوتینسکی نشات می‌گیرند. ژابوتینسکی اصول حاکم بر گروه خود را چنین بر می‌شمرد: ۱- قراردادن شرق اردن در محدوده سرزمین موعود ۲- برخورد شدید نظامی (با اعراب) ۳- عدم رعایت هیچ محدودیتی در امر مهاجرت به فلسطین ۴- مصادره اراضی فلسطینی‌ها (به جای خرید اراضی) ۵- جلوگیری از رشد اتحادیه‌ها کارگری. در این طیف نیز مانند سایر گرایش‌های سیاسی و حزبی، اعضای طیف تماماً یک شکل و منطبق برهم نیستند. بلکه احزاب تندرو و میانه رو متعددی را شامل می‌شوند. جناح راست، احزاب متعددی چون لیکود، کادیم، بیتنا، کاخ و ... را در بر می‌گیرد (راکی، ۱۳۸۴: ۳۴).

۵-۳-۱. لیکود

جبهه لیکود، یک حزب دست راستی است که در سال ۱۹۷۳ از ادغام احزاب حیروت و آزادگان تشکیل شد. حزب حیروت در سال ۱۹۴۸ به دنباله سیاسی صهیونیستی آرگون تشکیل گردید و با جنبش صهیونیستهای اصلاح گرا، پیروان ژابوتینسکی پیوند نزدیک داشت. این حزب از همان ابتدای شکل گیری خود اعلام کرد که وطن قومی یهودیان سرزمین فلسطین و شرق رود اردن است. و یک واحد تاریخی جغرافیایی تجزیه ناپذیر است و باید اجزای وطنی که از آن جدا شده و به بیگانه واگذار شده به حاکمیت یهود باز گردد. حزب حیروت در زمینه اقتصادی معتقد به اقتصاد آزاد و مخالف سوسیالیسم و دخالت دولت در بخش اقتصادی بود، حیروت بر اصل صهیونیسم نظامی و افراطی تاکید می ورزید و از همین رو شعار (اردن دو ساحل دارد یکی از آن ماست و دیگری نیز مال ماست) را مورد توجه قرار دارد (اسلامی، ۱۴۰۰، ۲۶۸-۲۶۷). از برجسته ترین اعضای حزب لیکود که عضو حیروت بودند می توان به اسحاق شامیر^۱، دیوید لوی آریل شارون و نتانیاهو اشاره کرد.

۴-۱. چالش های امنیتی ج.ا.ایران و رژیم صهیونیستی

با توجه به چالش های فراوانی که بین ایران و رژیم صهیونیستی وجود دارد، از قبیل حمایت ج.ا.ایران از گروه های مقاومت اسلامی نظیر حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی و همچنین در موضوعات مرتبط با لبنان، سوریه و سرزمین های اشغالی و رقابت های منطقه ای اشاره کرد، اما در ادامه این پژوهش صرفاً به مواضع و دیدگاه های این رژیم در خصوص فعالیت های هسته ای ج.ا.ایران می پردازیم.

در مکتب امنیتی کپنهاگ، به مقوله امنیتی کردن می توان اشاره کرد فرآیندی که در آن هر بازیگری می تواند تحت شرایط مشخصی مسئله یا مسائلی را که لزوماً از ماهیت تهدیدکنندگی حاد برای بقای دولت یا ملت برخوردار نیستند در نظر مخاطبین به صورت خطر جلوه گر نماید با توجه به این موضوع و از دیدگاه مکتب امنیتی کپنهاگ، رژیم صهیونیستی به رهبری حزب لیکود توانست که مسئله هسته ای ج.ا.ایران را برای افکار عمومی رژیم صهیونیستی به عنوان یک تهدید وجودی و در سطح جهانی فعالیت های صلح آمیز هسته ای ج.ا.ایران را بعنوان تهدیدی برای جامعه جهانی معرفی نماید رژیم صهیونیستی تلاش کرده است تا با امنیتی

¹ -yitzhak shamir

² -David levy

سازی مسئله هسته‌ای ج.ا.ایران، فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را با فعالیت‌های نظامی پیوند دهد. در واقع، در پی دستیابی ج.ا.ایران به توان هسته‌ای، احساس ناامنی رژیم صهیونیستی نسبت به تهدید ج.ا.ایران تا سطح امنیت هستی شناسانه یا وجودی ارتقا یافته است و جایگاه ج.ا.ایران در دستور کار امنیتی رژیم صهیونیستی از سطح چالش امنیتی - کانونی منطقه‌ای یا تهدید نا متقارن به سطح تهدید وجودی رسیده است. (زبردست، ۱۳۹۷:۱۱۹). اجرای سیاست امنیتی سازی برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ج.ا.ایران توسط رژیم صهیونیستی و نیز آمریکا موجب ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل و صدور قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۴۷، ۱۷۳۷ و ۱۸۳۵ گردید. این امر ضمن ایجاد فضای امنیتی و منزوی نمودن ج.ا.ایران به عنوان رکن اصلی محور مقاومت، پرونده هسته‌ای ایران را از سطح حقوقی و فنی به سطح سیاسی - امنیتی تغییر داد و سبب تشدید تحریم‌ها و فشارهای سیاسی، مالی و تکنولوژیکی به خصوص در زمینه نفت و گاز بر علیه جمهوری اسلامی گردید. رژیم صهیونیستی این امر (تحریم شدید) را همراه با تهدید به حمله نظامی و اقدام نظامی پیش‌دستانه، همانند تجربه حمله به مراکز اتمی لیبی، عراق و سوریه و با تاکید بر مفهوم «نقطه غیر قابل بازگشت» مورد توجه قرار داد و ضمن رد هرگونه توافق و مذاکره، هرگونه توافق با ایران را به عنوان یک اشتباه تاریخی معرفی نمود (زبردست، ۱۳۹۷:۱۲۰).

۱-۵. مواضع و تهدیدات حزب لیکود علیه ج.ا.ایران در مساله هسته‌ای

رژیم صهیونیستی تمایل دارد هر تهدیدی را با بدترین عبارت توصیف کند. اما ج.ا.ایران به طور گسترده به عنوان خطرناک‌ترین دشمن آن دیده می‌شود، زیرا محتمل‌ترین دشمن برای دستیابی به سلاح هسته‌ای است، تقریباً همه رژیم صهیونیستی‌ها یک کشور اسلامی در خاورمیانه با سلاح‌های هسته‌ای را یک تهدید وجودی می‌دانند، همانطور بنیامین بن الیزر وزیر دفاع رژیم صهیونیستی یک ماه قبل از جنگ عراق اظهار داشت: «عراق یک مشکل است...» اما باید فهمید، اگر از من بپرسید، امروز ج.ا.ایران خطرناک تر از عراق است (mearsheimer,walt,2000:38).

شارون در نوامبر ۲۰۰۲ (در آن زمان نخست وزیر رژیم صهیونیستی و رهبر حزب لیکود) در مصاحبه‌ای در روزنامه تایمز (لندن) علناً فشار بر ایالات متحده برای مقابله با ایران را آغاز کرد. او با توصیف ج.ا.ایران به عنوان «مرکز ترور جهانی» و تمایل به دستیابی به سلاح هسته‌ای، اعلام کرد که دولت بوش باید به ایران حمله کند. در اواخر آوریل ۲۰۰۳، هاآرتص گزارش داد که سفیر رژیم صهیونیستی در واشنگتن خواستار تغییر رژیم در ایران است. او

خاطرنشان کرد که سرنگونی صدام « کافی نیست » به گفته او آمریکا باید از این راه پیروی کند، ما هنوز تهدیدهای بزرگی به این بزرگی از سوی ایران و سوریه داریم (mearsheimer,walt,2000:38).

نگرانی‌های رژیم صهیونیستی در مورد توانایی‌های هسته‌ای ج.ا.ایران به ویژه پس از گزارشی که مدیر کل آژانس انرژی اتمی در سال ۲۰۱۱ به شورای حکام ارائه داد و فاش کرد که آژانس نگرانی‌های جدی در رابطه با ابعاد نظامی احتمالی ج.ا.ایران را دارد و اینکه ج.ا.ایران فعالیت‌های قبل از پایان سال ۲۰۰۳ را تحت یک ساختار سازمان یافته انجام داده است که ممکن است هنوز برای توسعه این برنامه فعالیت داشته باشند شدت یافت (maher,2020:99).

نتانیاهو از آنچه در این گزارش آمده است برای اثبات حقانیت رژیم صهیونیستی ارزیابی کرد و گفت: ج.ا.ایران به غنی سازی اورانیوم تا سطح بالای ۲۰٪ را بدون توجه به خواسته‌های جامعه جهانی به شدت ادامه می دهد. در سپتامبر ۲۰۱۲، نتانیاهو اعلام کرد: برای نزدیک به یک دهه، جامعه بین‌المللی تلاش کرده است، که برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران را با دیپلماسی متوقف کند اما موفق به این کار نشده است. ج.ا.ایران از مذاکرات هسته‌ای به معنای خرید زمان برای پیشبرد برنامه هسته‌ای خود استفاده کرده است (Rajiv,2016:7).

ایهود باراک در ژوئیه ۲۰۱۲ و توقف سریع و قطعی برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران تاکید کرد و بعداً فاش کرد که رژیم صهیونیستی بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ حداقل سه بار تصمیم حمله به ج.ا.ایران را داشته اما این کار را به دلیل اختلاف در بین اعضای کابینه انجام نداده است، در واقع رهبری رژیم صهیونیستی از پیامدهای یک اقدام نظامی یک‌جانبه علیه ج.ا.ایران به دلیل حمله موشکی ج.ا.ایران توسط نیروهای نیابتی در لبنان و غزه بیم نداشتند، کابینه نتانیاهو بر سر پیامدهای یک اقدام نظامی یک‌جانبه به شدت اختلاف داشتند. در عوض رژیم صهیونیستی طرفدار حمله آمریکا به ج.ا.ایران بود (Rajiv,2016:8).

۱-۶. مواضع حزب لیکود در مقابله با ج.ا.ایران در دوران ریاست جمهوری

اوپاما و ترامپ

الف. دوران ریاست جمهوری اوپاما

نتانیاهو از دولت اوپاما به دلیل امتناع از تعیین آنچه او خط قرمز برای برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران می‌خواند انتقاد کرد. وی در سپتامبر ۲۰۱۲ خطاب به خبرنگاران در اورشلیم اظهار داشت: کسانی که در جامعه بین الملل از قرار دادن خط قرمزها در برابر ج.ا.ایران امتناع

می‌کنند حق قرار دادن چراغ قرمز در برابر رژیم صهیونیستی را ندارند، نتانیاهو در اوایل مارس ۲۰۱۲ در سفر خود به واشنگتن با اوباما در کاخ سفید دیدار کرد وی تاکید کرد که رژیم صهیونیستی و ایالات متحده دارای ارزش‌های مشترک هستند و از منافع مشترک دفاع می‌کنند و با دشمنان مشترک روبرو هستند نتانیاهو امیدوار بود که تضمین‌هایی دریافت کند که آمریکا قاطعانه برای توقف برنامه هسته‌ای ایران اقدام خواهد کرد او همچنین امیدوار بود که بیانیه روشنی از آنچه ایالات متحده و نه رژیم صهیونیستی را به حمله می‌آورد دریافت کند با این حال اوباما دیپلماسی را بر اقدام نظامی ترجیح می‌داد، بنابراین نتانیاهو نتوانست آمریکا را وادار کند که وارد جنگ شود (maher,2020:56).

برخلاف نتانیاهو، اوباما نه تنها در کار آمدی اقدام نظامی علیه ایران تردید داشت. بلکه برخلاف اصول و وعده‌های او مبنی بر ادامه جنگ تنها پس از اتمام همه گزینه‌ها بود. همچنین جنگ با اهداف ژئوپولیتیکی بزرگتر اوباما برای کاهش ردپای ایالات متحده در خاورمیانه و معطوف کردن تمرکز آن به شرق آسیا و چین در تضاد بود. چالش واقعی برای ایالات متحده ظهور یک رقیب هم‌تا با ظرفیت و جاه‌طلبی برای تبدیل شدن به یک ابر قدرت جهانی بود. هیچ کشوری در خاورمیانه ظرفیت یا ظرفیت بالقوه برای به چالش کشیدن ایالات متحده در مقیاس جهانی را ندارد، از سوی دیگر چین این کار را انجام می‌دهد. از دیدگاه اوباما، جنگ در عراق و تعهد بیش از حد ایالات متحده در خاورمیانه تنها به تضعیف توانایی آن برای رویارویی با چالش رقابتی احتمالی کمک کرده است. با از دست دادن اهمیت استراتژیک خاورمیانه در نتیجه عوامل مختلف، از جمله کاهش وابستگی ایالات متحده به نفت و با افزایش شدید هزینه هژمونی ایالات متحده، محاسبه هزینه و فایده برای ایالات متحده به طور قطعی تغییر کرده بود، از نظر اوباما، خاورمیانه غیرقابل نجات بود و هرچه ایالات متحده بیشتر درگیر می‌شد اوضاع بدتر می‌شد و بیشتر ایالات متحده مقصر مشکلات منطقه می‌شد، اگر لیبی به اوباما نشان داد که بهتر است از این منطقه اجتناب شود، ظهور داعش به او ثابت کرد که منطقه قابل اصلاح نیست، اوباما معتقد بود که گسترش بیش از حد ایالات متحده در منطقه به قدرت و جایگاه جهانی و در نهایت به اقتصاد ما آسیب می‌رساند (Parsi,2017).

با این حال، مقامات آمریکا بی‌گزینه‌های ممتازی مانند تحریم‌های قوی‌تر و آمادگی نظامی آمریکا و متحدانش را در دستور کار قرار داد. دولت آمریکا اقداماتی را برای تقویت توانایی‌های نظامی خود در ناوگان پنجم مستقر در بحرین انجام داد و همچنین متحدان

منطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی و کشورهای همکارای خلیج فارس برای هر رویارویی احتمالی مجهز نمود (Rajiv, 2016: 11).

ب. دوران ریاست جمهوری ترامپ

با روی کار آمدن ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده، مخالفت و موضع خصمانه رژیم صهیونیستی و نهادهای لابی‌گر آن در آمریکا نسبت به توافق هسته‌ای ج.ا.ایران، شدت بیشتری به خود گرفت. ترامپ بارها در جریان مبارزات انتخاباتی خود، توافق جامع هسته‌ای قدرت‌های جهانی با ج.ا.ایران را «یکی از بی‌معنی‌ترین توافقات»، «فاجعه سیاست خارجی» و «اینکه ایرانیان به حماقت توافقی که ما در مورد هسته منعقد نموده‌ایم می‌خندند» دانسته و اظهار نمود که مختل نمودن اجرای آن یا «مذاکره مجدد» یکی از اولویت‌های وی پس از روی کار آمدن خواهد بود (جوانشیری و بصیری، ۱۳۹۷: ۵۲).

رضایت و خشنودی نتانیا‌هو در قبال خروج آمریکا از برجام، بازتاب تلاش‌ها و مذاکرات تنگاتنگ وی با کاخ سفید در دوره ریاست جمهوری ترامپ بود، دیدارهای مکرر، لابی‌های قدرتمند و انگیزه شخصی ترامپ برای تخریب تمام دستاوردهای دوره دموکرات‌ها از جمله برجام، پیروزی نهایی نتانیا‌هو و تیم همسو با وی در رژیم رژیم صهیونیستی را در این رابطه رقم زدند. مقامات رژیم صهیونیستی پس از خروج آمریکا از برجام، در مرحله بعد به دنبال بازگشت به شرایط پیش از برجام و راهبردی که برای آن تدوین کرده بودند، هستند. رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۱ به بعد در قالب یک راهبرد سه مرحله‌ای که بر پایه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ج.ا.ایران شکل گرفته بود، تحریم اقتصادی، منزوی سازی سیاسی و تهاجم نظامی را علیه ج.ا.ایران در پیش گرفت (احمدی، ۱۳۹۷: ۳).

نگرانی‌های مداوم رژیم صهیونیستی در مورد تحریکات منطقه‌ای ایران به خوبی همسو با شکایت اصلی دولت ترامپ از توافق هسته‌ای بود که نتوانست به آنها رسیدگی کند. لیست ۱۲ ماده‌ای مایک پمپئو وزیر خارجه ایالات متحده از نارضایتی‌ها از ایران نشان می‌داد که برای دولت ترامپ مسائل هسته‌ای و منطقه‌ای دیگر نمی‌توانند از هم جدا شوند و این مطابق با موضع نتانیا‌هو بود، ارتباط بین کارزار رژیم صهیونیستی در جنگ سوریه و رویکرد فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ج.ا.ایران در دو سال پس از خروج آمریکا از برجام آشکارتر شد. در واقع تا اواسط سال ۲۰۱۸، رژیم صهیونیستی مستقیماً به اهداف ج.ا.ایران در سوریه حمله نمی‌کرد، و در عوض حملات خود را علیه تحویل سلاح ایران به حزب الله متمرکز کرده بود، اما با آنچه رژیم صهیونیستی به عنوان یک تغییر حالت در سوریه تحت پوشش خروج آمریکا از برجام و

فشار حداکثری علیه ایران عملیات می‌کرد، تغییر کارزار رژیم صهیونیستی به سمت هدف مستقیم قرار دادن مقامات و دارایی‌های ج.ا.ایران در سوریه گسترش یافت و موضع سنتی رژیم صهیونیستی از عدم نسبت دادن به حملات در سوریه جای خود را به اعتراف آشکارتر اقدام نظامی علیه ج.ا.ایران داد (dassakaye,efron,2020:17).

زمانی که برجام در سال ۲۰۱۵ نهایی شد، دیدگاه غالب در میان رژیم صهیونیستی‌ها و تحلیلگران این بود که تا زمانی که ج.ا.ایران به توافق پایبند باشد. گزینه نظامی از روی میز خارج است، با خروج ترامپ از برجام زمینه خوشبینی رژیم صهیونیستی در مورد فشار آمریکا و ارزیابی آن که آسیب‌پذیری ج.ا.ایران در حال افزایش است و گزینه‌های نظامی برای رفع برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران دوباره برجسته شد. برخی معتقدند که استراتژی نتانیاهو از تشدید تنش به منظور ایجاد یک رویارویی نظامی آمریکا و ایران است زیرا او در نهایت از آمریکا می‌خواهد که با ایران، از جمله حمله به اهداف هسته‌ای آن مقابله کند. اگرچه از اهداف فشار حداکثری اعلام شده توسط آمریکا توافق جدید با ج.ا.ایران است. اما چشم اندازی که نتانیاهو دارد عمیقاً مخالف این دیدگاه است بسیاری از رژیم صهیونیستی‌ها هدف نهایی آمریکا را تغییر رژیم در تهران می‌دانند (dassakaye,efron,2020:19).

۱-۶. رویکرد حزب لیکود

مهم‌ترین تصمیم سیاست خارجی و امنیتی دولت نتانیاهو در سال ۲۰۱۵ مبارزه سرتاسری با ج.ا.ایران بود آغاز این دولت همراه بود با انعقاد توافق برجام (توافق هسته‌ای ایران با ۱+۵) بود نتانیاهو مبارزه با برجام را به هدف اصلی سیاست خارجی دولت چهارم خود تبدیل کرد، به همین دلیل پست وزارت خارجه را خود در دست گرفت و از طریق کمرنگ نشان دادن قضیه فلسطین و کاهش نزاع با فلسطینیان به ایجاد کانال به سمت حکومت‌های عربی دست زد در صحنه آمریکا بی نتانیاهو به منظور بسیج نیروهای سیاسی داخلی آمریکا علیه این توافق و جمهوری اسلامی و استفاده از آنها در فرصت مناسب، به ایجاد و تماس‌ها و ارتباطاتی با لابی راست یهودی و جریان‌های راست آمریکا بی و صهیونیست مسیحی و سناتورهایی از هر دو حزب به خصوص جمهوری خواهان اقدام کرد. در صحنه عملی و اقدامات امنیتی مهم‌ترین اقدام این دولت آغاز تهاجم نظامی به منافع جمهوری اسلامی و محور مقاومت در سوریه بود با وجود اینکه این حملات از آغاز جنگ داخلی سوریه به صورت محدود انجام می‌شد، اما پس از امضای برجام این حملات شکل گسترده تری به خود گرفت (مروی اصفهانی، ۱۳۹۹: ۷۱).

رهبران رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از توافق هسته‌ای ج.ا.ایران و قدرت‌های جهانی در جولای ۲۰۱۵ را محکوم کردند، نتانیاهو آن را «اشتباه تاریخی خیره‌کننده» نامید و خاطر نشان کرد که رژیم صهیونیستی به این توافق مقید نیست. زیرا ایران همچنان به دنبال نابودی ماست (dassakaye,efron,2020:10). پس از شکل‌گیری برجام، آویگدرلیبرین، وزیر خارجه وقت رژیم صهیونیستی آن را با توافق با آلمان نازی (مونیخ) مقایسه کرد، موشه یعلون، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی در آن زمان گفت این توافق بر اساس «دروغ و فریب» ساخته شده و همینطور یک تراژدی برای همه کسانی که آرزوی ثبات منطقه‌ای را دارند و از ایران هسته‌ای می‌ترسند است. (dassakaye,efron,2020,10) در سوم مارس ۲۰۱۵، نتانیاهو در سخنرانی خود در کنگره آمریکا، اشکالاتی در مورد مذاکرات در جریان آن زمان مطرح کرد از جمله اینکه مذاکرات باید موشک‌های بالستیک ایران را هم شامل شود و از آنجایی که محدودیت بر برنامه هسته‌ای ایران تا یک دهه دیگر منقضی می‌شوند، نسبت به تغییر احتمالی چشم انداز منطقه ایران و با توجه به اینکه ایران مجاز به استفاده از سانتریفیوژهای پیشرفته در یک دهه آینده است ابراز نگرانی کرد از نظر وی توافق بهتر شامل برجیده شدن زیرساخت‌های هسته‌ای ایران و خواستار توقف تجاوز و ترور ج.ا.ایران در سراسر جهان است (Rajiv,2016:14).

بین سیاستگذاران رژیم صهیونیستی اتفاق نظر وجود دارد که توافق هسته‌ای ایران راه را برای خاورمیانه جدید با مجموعه جدیدی از چالش‌هایی که رژیم صهیونیستی باید با آنها روبه‌رو شود هموار می‌کند. با پایان دادن به تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی، قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی تهران افزایش می‌یابد و قابلیت تولید سلاح‌های نظامی به ویژه آنهایی که به فناوری پیشرفته وابسته هستند، افزایش می‌یابد. همه اینها به افزایش اعتبار کشور ج.ا.ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی کمک می‌کند و بر توانایی آن و تقویت قدرت از طریق بازیگران غیر دولتی مانند شبه نظامیان مختلف منطقه تحت حمایت ج.ا.ایران و همچنین متحدان دولتی تاثیر می‌گذارد، علاوه بر این امکان تبدیل شدن به یک کشور «آستانه هسته‌ای» را فراهم می‌کند، حتی اگر پس از دو دهه در شرایط کنونی، هر گونه حمله نظامی رژیم صهیونیستی به تاسیسات هسته‌ای ایران مغایر با رویکرد غالب جامعه بین‌المللی باشد. در نهایت، توافق جدید میتواند کاتالیزوری برای یک مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای باشد، با کشورهایی نظیر مصر، عربستان سعودی، ترکیه که به دنبال تقلید از دستاوردهای ج.ا.ایران با تبدیل شدن به قدرت‌های هسته‌ای هستند.

یووال اشتاینیتر، مسئول امور هسته‌ای کابینه‌ای نتانیاهو در سال ۲۰۱۵ گفت: کسانی که فکر می‌کنند دادن ۱۵۰ میلیارد دلار به ایران هیچ تاثیری بر خاورمیانه نخواهد داشت، ساده‌لوح هستند. حمایت از گروه‌های شبه نظامی در منطقه، از جمله حزب الله لبنان و بخش‌هایی از سوریه، حماس در غزه و جنبش حوثی‌ها در یمن با شدت بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد. اشتاینیتر در ادامه گفت: اگرچه رژیم صهیونیستی کوچک است، اما ارتش قدرتمندی دارد، گمان می‌رود تنها زرادخانه هسته‌ای در منطقه را در اختیار دارد و سالانه حدود ۳ میلیارد دلار حمایت نظامی از ایالات متحده دریافت می‌کند، مبلغی که انتظار می‌رود پس از آن افزایش یابد. در پاسخ به این سوال که رژیم صهیونیستی چه تسلیحات اضافی ممکن است که از ایالات متحده درخواست کند، اشتاینیتر پاسخ داد که تسلیحات جدیدی دریافت خواهد کرد و گفت که تنها غرامت قابل قبول توافقی است که از تولید سلاح هسته‌ای توسط ایران جلوگیری کند، و رژیم صهیونیستی حق دفاع از خود را برای خود محفوظ می‌دارد و در صورت لزوم این کار به صورت یکجانبه انجام می‌دهد حق دفاع رژیم صهیونیستی از خود غیر قابل مذاکره است و نمی‌توان آن را با هیچ توافق بین‌المللی خوب یا بد محدود کرد. (Baker, 2015).

نتیجه‌گیری

حزب لیکود، با امنیتی نمودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و با کمک ایالات متحده آمریکا و قدرت‌های غربی توانسته امنیت ج.ا.ایران را در ابعاد گسترده نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد تهدید قرار دهد. از نظر مکتب امنیتی کپنهاگ، امنیتی کردن فرآیندی است که در آن هر بازیگری می‌تواند تحت شرایط مشخصی مسئله یا مسائلی را که لزوماً از ماهیت تهدیدکنندگی حاد برای بقای دولت یا ملت برخوردار نیستند در نظر مخاطبین به صورت خطر جلوه‌گر نماید با توجه به این موضوع و از دیدگاه مکتب امنیتی کپنهاگ، رژیم صهیونیستی به رهبری حزب لیکود توانست که مسئله هسته‌ای ایران را برای افکار عمومی رژیم صهیونیستی به عنوان یک تهدید وجودی و در سطح جهانی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را بعنوان تهدیدی برای جامعه جهانی معرفی نماید.

حزب لیکود توانسته مسئله فلسطین را از اولویت سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، خارج کرده، و نزاع فلسطینی- رژیم صهیونیستی را به نزاع ایرانی- رژیم صهیونیستی و به عبارت دقیق‌تر نزاع عبری، عربی علیه ج.ا.ایران تبدیل کند، این حزب با دو سری اقدامات یکی اعلام نشده و یک جانبه، و دیگری با کمک آمریکا و سایر متحدان و نهادهای بین‌المللی امنیت ج.ا.ایران را به چالش کشیده است و توانسته به رهبری نتانیاهو و با کمک آمریکا

اقدامات موفق‌تری را علیه ایران انجام دهد، همچنین نفوذ منطقه‌ای و فعالیت‌های هسته‌ای را برای ج.ا.ایران بسیار پرهزینه کند، اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی شدید با تشویق این کشور و تشدید ایران هراسی در منطقه و جهان، ائتلاف عبری-عربی از مهم‌ترین آنها می‌باشد. در صورتیکه حزب کارگر مخالف هر گونه اقدام نظامی یک‌جانبه علیه ج.ا.ایران می‌باشد حزب لیکود در بعد امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار داده که می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. معرفی ایران به عنوان کانون بنیادگرایی ۲. حامی تروریسم ۳. تشکیل ائتلاف با کشورهای عربی ۴. گسترش ایران هراسی در منطقه و جهان ۵. حضور تحریک آمیز در مناطق مجاور ج.ا.ایران نظیر کردستان عراق و کشور آذربایجان ۶. مخالفت نتانیاهو با فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مذاکرات هسته‌ای ۷. مخالفت این حزب با برجام و تلاش و تشویق آمریکا از سوی نتانیاهو برای خروج از برجام ۸. اقدام‌های نظامی یک‌جانبه علیه ج.ا.ایران ۹. حمایت از گروه‌های منافقین و اپوزیسیون جهت ایجاد خرابکاری و اغتشاش در داخل ایران.
در بعد اقتصادی:

۱- تلاش برای تشدید تحریم‌های اقتصادی ممانعت از ورود بلوکه شده به ایران ۲. ممانعت از فروش نفت ایران به طور مستقیم و غیر مستقیم به مبادرت کرده که در این بعد نیز تاثیرات بسزایی را متوجه امنیت ایران ساخته است ۲. تلاش برای انزوای اقتصادی و حذف ج.ا.ایران از اقتصاد جهانی ۴. فشار بر آمریکا خصوصاً در دوره ترامپ برای ممانعت تجارت کشورهای همسایه نظیر امارات متحده عربی با ایران.
در بعد نظامی:

۱. اقدامات یک‌جانبه و سری علیه ایران ۲. حملات پهبادی به سایت نظامی و هسته‌ای ایران ۳. حمایت از گروه‌های تروریستی جهت خرابکاری یا بمب‌گذاری در ایران ۴. حمله به محموله‌های نظامی و مواضع ج.ا.ایران در سوریه و عراق ۵. حمله به کشتی‌های نفتی ایران در دریای سرخ و شرق مدیترانه ۶. حمله به تاسیسات هسته‌ای و زیر ساخت‌ها. تحریک آمریکا به حمله نظامی ۷. حضور نظامی و جاسوسی در کشورهای همجوار ایران
در بعد اجتماعی:

۱. شکل دهی به افکار عمومی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی به طور مثال رفتار جامعه ورزشی و هنری و سایر گروه‌ها ۲. ترور دانشمندان هسته‌ای ۳. تلاش برای برجسته سازی تفاوت‌های مذهبی ۴. تاثیر گذاری فرهنگی.

حزب کارگر با توجه به اینکه از سال ۲۰۰۱ به بعد نتوانسته قدرت را در دست بگیرد، در زمامداری این حزب در دهه ۹۰ میلادی، توانسته امنیت ج.ا.ایران را در دو بعد سیاسی و اقتصادی تحت تاثیر قرار دهد. در بعد اقتصادی با استفاده از لابی های خود در آمریکا تحریم های اقتصادی نظیر قانون داماتو را علیه ج.ا.ایران به تصویب کنگره آمریکا برساند. در بعد سیاسی معرفی ج.ا.ایران در منطقه به عنوان کانون بنیادگرایی، حامی تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای توانسته بر امنیت ج.ا.ایران تاثیر گذار باشد.

منابع و مآخذ:

منابع فارسی

کتاب ها

- اسلامی، محسن، ۱۴۰۰، **سیاست خارجی رژیم صهیونیستی**، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، ۲۹۰-۸۳.
- صبری، جرجیس، خلیفه، احمد، ۱۳۹۹، **ساختارهای صهیونیستی**، ترجمه، قیس زعفرانی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۸۹-۷۱.
- عبدالله خانی، علی، ۱۳۸۶، **تهدیدات امنیت ملی** (شناخت و روش)، تهران، موسسه ابرار معاصر، ۱۱-۷-۱۱۴
- پایان نامه ها
- مروی اصفهانی، علی، ۱۳۹۹، **سیطره جناح راست و سیاست امنیتی - خارجی رژیم صهیونیستی (۱۹۷۷-۲۰۱۹)** الزمات برای جمهوری اسلامی ج.ا.ایران، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

مقالات

- آهویی، مهدی؛ ۱۳۹۳؛ **صهیونیسم مذهبی و نقش راهبردی آن در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی؛ نشریه مطالعات راهبردی**، دوره ۱۷، شماره ۶۶، ۱۳۰-۱۳۷
- احمدی، وحیده، ۱۳۹۵؛ **راهبرد آمریکا در قبال برجام؛ فصلنامه مطالعات راهبردی**، دوره ۹، شماره ۲۷
- احمدی، وحیده، ۱۳۹۷؛ **هرتریلیای ۲۰۱۸ و تهدیدات پیرامونی جمهوری اسلامی ج.ا.ایران؛ نشریه دیده بان امنیت**، شماره ۵۷، ۶۰-۶۲
- الف، وحیده، ۱۳۹۷؛ **فرصت‌ها و چالش‌های رژیم صهیونیستی در احیای امنیتی سازی ج.ا.ایران؛ نشریه دیدبان ملی**، شماره ۴۷، ۳-۵
- اختیاری امیر، رضا، رشیدی، احمد، سلطانیان، عبدالله، ۱۳۹۹؛ **اتلاف عبری- عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ج.ا.ایران، نشریه مطالعات سیاسی جهان اسلام**؛ دوره ۹، شماره ۱.
- برزگر، کیهان؛ قاسمی، مهدی، ۱۳۹۲؛ **استراتژی تهدیدی رژیم صهیونیستی و امنیت ملی ج.ا.ایران؛ فصلنامه روابط خارجی**، دوره ۵، شماره ۱، ۱۷۵-۱۷۶
- بیات، ناصر، ۱۳۹۷، **مواضع و عملکرد نتانیاو در قبال روند صلح خاورمیانه، نشریه مطالعات منطقه‌ای**،
- جوانشیری، امیرصدر؛ بصیری، محمدعلی، ۱۳۹۵، **مقایسه نقش لابی رژیم صهیونیستی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ با تاکید بر توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ج.ا.ایران، فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، دوره ۱۶، شماره ۱، ۴۷-۵۶.
- درویشی سه تلالی، سلیم. صاحبی وجهه، ۱۳۹۴، **بررسی رویکرد احزاب سیاسی رژیم صهیونیستی نسبت به برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران فصلنامه مطالعاتی جهان اسلام**، دوره ۴، شماره ۲
- راکی، داود، ۱۳۸۴، **از کار تا لیکود، تاریخچه احزاب فعال در رژیم صهیونیستی، ماهنامه زمان**، تهران: کانون اندیشه جوان.

زبردست، میلاد؛ ۱۳۹۷، **سیاست خارجی و امنیتی رژیم صهیونیستی در قبال محور مقاومت؛ نشریه پژوهش ملل**، دوره ۳، شماره ۳۵، ۱۱۹-۱۲۰

طوسی، مهدی. آزاد، علی، ۱۳۹۷، **نقش احزاب رژیم صهیونیستی در روند صلح خاورمیانه ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۴. نشریه علوم سیاسی**، دانشگاه آزاد کرج، شماره ۲

فلاح، علی؛ قاریان پور، محمد، ۱۳۹۷، **رویکرد احزاب رژیم صهیونیستی به موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران، نشریه مطالعات منافع ملی**، دوره ۳، شماره ۱۲، ۱۴-۳۷

نیکو، حمید؛ سولیمی، مرتضی، ۱۳۹۶، **جایگاه برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی؛ نشریه مطالعات روابط بین الملل**، دوره ۱۰ شماره ۳۷، ۱۵۱-۱۵۹

تهدیدات ارزشی متقابل، دوره ۲، شماره ۷، ۱۰۰-۱۰۱

منابع اینترنتی

- خبرگزاری صراط**، ۱۳۹۳، **نتانیاو، ج.ا.ایران فراری از توبه و اصلاح ناپذیری است**، ۳۰ آبان
- خبرگزاری فارس**، ۱۳۹۱، **گسترش سلاح های هسته‌ای در خاورمیانه از ترس تا واقعیت**، ۱ آبان
- خبرگزاری فارس**، ۱۳۹۳، **نتانیاو، مساله هسته‌ای یاران در مرحله حساس است**.

منابع لاتین

- Baker , Luke , 2015 , Iran deal "naked as emperor with no clothes" , says Israeli , www.reuters.com
- Dass Kaye , Dalia ; Efron , shira , 2020; **Israel's Evolving Iran policy** , *Global Politics and Strategy* Vol , 62 .
- Maher , Nora , 2020 , **Balancing deterrence : Iran – Israel relations in a turbulent middle East** , [http : www.emerald.com / insight](http://www.emerald.com/insight)
- Menashri , david , 2006 , **Iran , Israel the middle East conflict Published online : 8 A g 2000** , [http : iran.paper.ir](http://iran.paper.ir)
- Rajiv , Samuel , 2016 , **Deep disquiet : Israeli and the Iran nuclear deal** , [https : Iran paper the Israeli Position on the Iranian Nuclear deal](https://iran.paper.com) , Arab center for research policy studies , www.dohainstitute.otg , 29 July 2015.